



شمخانی: آیت‌الله هاشمی هیچ‌گاه در چار‌چوب حزب و جناح عمل نکرد

دبیر شورای عالی امنیت ملی در حاشیه مراسم وداع با پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی گفت: آیت‌الله هاشمی یک شخصیت برجسته و ستون نظام بود. به گزارش ایلنا، علی شمخانی گفت: آیت‌الله هاشمی یک شخصیت برجسته و ستون نظام بود. در ۴۰ سال پس از پیروزی انقلاب با چالش‌ها و گردنه‌های مختلفی در دوران رهبری و امام روبرو بودند که همواره آقای هاشمی در کنار این گردنه‌ها همراه امام و رهبری بودند. آیت‌الله هاشمی هیچ‌گاه در چار‌چوب حزب و جناح عمل نکرد ترقی همه ملت ایران از آقای هاشمی تلقی واحدی است که ناشی از رفتار شخصیت وی است.

هاشمی رفسنجانی و جریان‌های سیاسی پیش از انقلاب

مبارزه و اصلاح



اواسط دهه ۵۰ که بسیاری از جریان‌های مبارز انشعاب‌هایی در درون خود پیدا کرده بودند و هر گروه، جریان دیگر را به سازشکاری و مصالحه با رژیم محکوم می‌کرد.این وضعیت موجب شده بود تا هیچ یک از این گروه‌ها نتوانند به وقایع قابل قبول دست یابند. بسیاری از مبارزان مذهبی و مسلمان در این دوره و در بهترین واکنش، مشی زیست افرادی در زندان را پیش می‌گرفتند و بی توجه به آنچه در اطرافشان می‌گذاشت، خود را در بستری تنها و به دور از منازعات درون زندان یا سازمان‌های مرتبط تعریف می‌کردند.وضعیت حاکم بر آن دوره به گونه‌ای بود که با شکل‌گیری سازمان مجاهدین خلق در اواخر دهه ۴۰ (سال ۱۳۴۷) و اعلام مواضع این گروه جوان منشعب از نهضت آزادی، بسیاری از فعالان سیاسی مسلمان به ویژه گروه‌های مرتبط با هیات‌های مؤتلفه اسلامی، کار را تا آن‌جا پیش بردند که از مبارزه مسلحانه دست کشیده و سعی کردند از حداقل ارتباط با این گروه تازه برآمده از قرائتی جدید از دین و مذهب تشیع هم پرهیز کنند در چنین موقعیتی بود که رفتار و عملکرد هاشمی رفسنجانی رخ عیان کرد و توانست توازنی حداقلی را در ساختارهای مبارزاتی پدید آورد. نباید فراموش شود که ارتباط وثیق و دائمی او با رهبری انقلاب ـ امام خمینی ـ می‌توانست در بسیاری از این بزنگاه‌ها به کار او آید.

اکبر هاشمی رفسنجانی طی حیات مبارزاتی خود، همواره به

«اعتماد»؛ راهکار آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای سیاست خارجه

نش زدایی در عرصه دیپلماسی

ایشان، این بود که مسائل اصلی و فرعی را به راحتی از هم تشخیص می‌دادند و هیچگاه در مسائل فرعی و حاشیه‌ای گیر نمی‌افتاد.و حتی وقت خود را برای چنین موضوعاتی تلف نمی‌کرد.بررسی اساس در مسائل روابط خارجی تاکید ویژه‌ای روی کشورهای منطقه و همچنین کشورهای اروپایی داشتند. تلاشی که هاشمی‌رفسنجانی روی گسترش روابط با کشورهای اروپایی و صنعتی برای بازسازی اقتصادی کشور داشت، از این دید نشست می‌گرفت که اگر جمهوری اسلامی بعد از جنگ بخواهد پیشرفت قابل توجهی داشته باشد علاوه بر اینکه باید همه امکانات داخلی را به کار بگیرد و نیروها و امکانات داخلی فعال شوند با توجه به عمق فاجعه‌ای که عراق در جنگ شش ساله بر ایران تحمیل کرده بود، لازم بود از ظرفیتهای خارج از کشور هم استفاده شود.
اصفی می‌افزاید:تشخیص هاشمی رفسنجانی در این دوره موجب گسترش جدی روابط و سرمایه گذاری از سوی اروپایی شد که در نتیجه آن انتقال تکنولوژی و گسترش صنایع بود.نمونه آن مبادلات نفتی با فرانسه است که پایه آن در دوران ریاست جمهوری هاشمی‌رفسنجانی بود و همین موضوع هم ناشی از توجه و تشخیص مسائل اصلی و فرعی از همدیگر بود.

توجه ویژه به جهان اسلام

اصفی با بیان ویژگیهای دیگر هاشمی رفسنجانی می‌گوید: او توجه خاصی به مسئله فلسطین و جهان اسلام داشت که کتاب «لسطین» او هم نشان‌دهنده توجه خاص به جهان اسلام، قدس شریف، مسئله فلسطین و آزادسازی سرزمینهای اشغالی است. آیتالله هاشمی از قبل از انقلاب به این مسئله توجه داشتند و بعد از رسیدن به ریاست جمهوری هم همه ظرفیتهای را در این زمینه استفاده کردند.وی تاکید می‌کند:وقتی کسی به جهان اسلام و کشورهای اسلامی تاکید دارد به‌تبع آن در منطقه بسیار فعال خواهدشد و همکاری با کشورهای منطقه را دستور کار قرار می‌دهد. این امر موجب شد که در زمان ایشان روابط ایران با منطقه جهش و عمق جدی پیدا کند و به حداکثر رسید.وی افزود:البته این همکاری در سالهای بعد به دلیل دخالت آمریکایی‌ها، انگلیس و نفوذی که آنها در منطقه داشتند، سیطنتها و مودی گریهایی اسرائیل در پشت پرده، روابط دچار تحول شد.

موقعیت شناسی هاشمی‌رفسنجانی در برقراری رابطه با عربستان

این کارشناس مسائل سیاست‌خارج‌به روابط خوب هاشمی با عربستان اشاره می‌کند اما تاکید هم می‌کند که عربستان آن موقع با عربستان کنونی تفاوت بسیاری داشت در همین راستا، اصفی می‌گوید: در آن زمان امیر عبدالله حاکم بود که فردی با تجربه و ملی‌گرا بود، دنیا را می‌شناخت و با افراد جوان تازه به دوران رسیده حکومت سعودی بسیار فرق داشت. اصفی درباره علت توجه هاشمی به عربستان و ارتباط با این کشور می‌گوید: توجه او‌لا ناشی از توجه به امت اسلامی بود که ایران و عربستان در کنار همدیگر قرار می‌گیرند و هویت و اقتدار کشورهای اسلامی را بازسازی کنند. درهمین راستا، ملاقات تاریخی هاشمی در حاشیه کنفرانس اسلامی در پاکستان با مقامات این کشور موجب جهش روابط شد. ثانیاً علاوه بر روابط سیاسی، حضور ایران و عربستان در اوپک به‌عنوان دو کشور قدرتمند می‌توانست موجب افزایش یا تثبیت قیمت نفت و شرایط بهتر اقتصادی هم برای ایران هم برای عربستان و حتی کشورهای منطقه و اسلامی شود.این توجه هم موجب افزایش روابط با کشورهای منطقه و هم موجب بهبود روابط با عربستان و حتی کشورهای عربی و اسلامی شد. اصفی درخصوص روابط فعلی ایران و عربستان اظهارمی‌کند که برخی تحولات در منطقه و جابجایی‌ها در میان سعودیها و البته کارشنکشیهای فرمانطقه‌ای به تدریج موجب شد تا اکنون روابط ایران و عربستان در بدترین حالت خود قرار گیرد که مقصر اصلی آن هم دولت سعودی است.

هاشمی سیاستمدار چندوجهی بی‌بدیل

اصفی تاکید می‌کند که هاشمی رفسنجانی سیاست خارجی را هم در خدمت منافع اقتصادی و هم در ایجاد فضای بهتر سیاسی با کشورهای مختلف قرار داد. هاشمی رفسنجانی سیاستمدار چندوجهی و بی بدیی بود که نه تنها در ابعاد داخلی بلکه در ابعاد خارجی هم جای ایشان تا مدت‌ها خالی خواهد بود.

ایرنگار

روحانیون مبارز در آخرین سال منجر به پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ شد. این تشکل از چنان ساختار قدرتمند و بن‌مایه‌های دقیقی برخوردار است که توانسته نزدیک به چهار دهه در نهاد حاکمیت باقی بماند.

انقلابی‌اصلاح‌طلب

از دیگر پیچیدگی‌های شخصیت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تلفیق دوگانه انقلابی – اصلاح‌طلبی بود. از نخستین موضع‌گیری‌های آیت‌الله هاشمی تا واپسین اظهارنظرهایش در مورد تاریخ ایران، امیرکبیر به عنوان یک الگو و مدل حکومتداری مدنظر او بود. تأثیرپذیری از امیرکبیر حکایت از افق فکری خاصی دارد که قطعاً از تباط چندی تا روحیات انقلابی ندارد. چه این که «امیر» حاضر می‌شود تا در سایه حکومت ناصرالدین شاه دست به اصلاحات اجتماعی بزند و جامعه را از حداقل‌ها و امکانات رفاهی برخوردار کند. «امیر» فارغ از مبارزات سیاسی، از بین بردن جهل، تأمین رفاه اجتماعی، کوتاه کردن دست طبقه اشراف، اهتمام نسبت به مسائل طبقه فرودست جامعه و… را مورد توجه قرار می‌دهد. او سعی می‌کند عمده توجه خود را از منازعه قدرت سیاسی به انجام خدمات اجتماعی معطوف کند و با این وجه بارز به مقابله با جهل و نادانی بپردازد. هاشمی هم متأثر و متشجون از همین اندیشه «امیر» است. او اصلاحات اجتماعی را در تمام سطوح مدیریتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دنبال می‌کند.اصلاحاتی که سعی بر بازآفرینی اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه اجتماعی دارد. به هر روی، پیچیدگی‌های شخصیتی مرحوم آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی بسیار بیشتر از دیباجه پیش روست. حضور بیش از ۶ دهه در عرصه سیاست، ارتباط و تعامل سازنده با گروه‌های مختلف مبارز سیاسی، سکان‌داری ۸ ساله کشور در زمان ریاست جمهوری، حل و فصل منازعات داخلی، اعتبار بی‌نظیر بین‌المللی، بالاترین سطح درک از اندیشه‌های امام خمینی در عرصه حکومتداری و… همه‌ومه موضوعاتی است که آیت‌الله هاشمی را به یگانه‌ای در عصر ما تبدیل می‌کند. او همواره سعی داشت تا با استفاده از تمام اعتبار خود توازنی میان جریان‌های مختلف سیاسی ایجاد کند و همواره هر یک از جناح‌های سیاسی به دوری از عرصه اجتماع دجار می‌شد، هاشمی با همراهی آن جناح، تعادل و توازن را به ساختار سیاسی کشور بازمی‌آورد. میزان اثرگذاری و اثربخشی و حضور پررنگ بی‌و نظیرش در عرصه‌های مختلف به گونه‌ای بود که موفقان و مخالفانش، هیچ تعریفی از جمهوری اسلامی بدون هاشمی نداشتند. آزمون سختی که پس از رفتن آیت‌الله همه جریان‌های سیاسی را به چالشی تازه دچار می‌کند و این گروه‌های مختلف هستند که باید خود را در دنیای بدون هاشمی دوباره تعریف کنند. هاشمی رفسنجانی همان بود که در زمان مبارزه عمل می‌کرد و چون نخ تسبیح و حلقه وصل در میان جریان‌های گوناگون، اتحاد و انسجام ملی را تحکیم می‌بخشید.

ویژه:شناسنامه انقلاب

www.ebtekarnews.com

چهارشنبه
۱۳۹۵دی ۲۲

شماره ۳۶۱۷

یادداشت

اصولگر ایان از هاشمی رفسنجانی عقب ماندند



جهانبخش خاتجانی*

سالیان بسیاری است، شاید چیزی حدود ۲۰ سال که آیت‌الله هاشمی هاشمی رفسنجانی را می‌شناسم و با او ارتباط داشته‌ام؛ اندیشمند دوراندیش و ژرف‌نگری که همواره به منافع ملی، توسعه و آبادانی کشور می‌اندیشید و هرآنچه که درحوزه‌های سیاسی و اقتصادی مطرح می‌کرد جز در راه رسیدن به ایرانی آباد و رشد یافته نبود. سخنان هاشمی رفسنجانی سال ۸۴ به بعد همان رویه‌ای را دنبال می‌کرد که سخنانش در سال۷۶، و آن چیزی نبود جز حفظ دستاوردهای انقلاب و امید به اینکه کشور رو به جلو حرکت کند. مشی آیت‌الله هاشمی اعتدالی بود و فراتر از دیدگاه‌های مرسوم. افراد زیادی رادیده‌ام اما دوراندیشی و نگرش هاشمی رفسنجانی به فق‌های دوردست بسیار فراتر از دیگران بود. برخی سخنان که درخصوص جدایی وی و اصولگرایان از سال ۸۴ به بعد مطرح می‌شود و اینکه این جناح او را طرد کردند، صحت ندارد، چراکه اصولگرایان مسائل را سطحی نگریسته و به افق‌های دور اندیشه نمی‌کنند به همین خاطر براین باور هستند که افای هاشمی رفسنجانی از آنها فاصله گرفته است، لیکن آنها از او عقب ماندند و این عقب ماندگی از هاشمی تلقی فاصله گرفتن از اصولگرایان شده‌است. اکبرهاشمی رفسنجانی اگر در سال‌های ۷۷ و ۷۸ در انتخابات مجلس ششم سخنرانی می‌کرد، از همین جنس سخنانی بود که امروزه مطرح می‌نمود.

از سال ۷۷ به بعد، بارها در نشست‌های متعدد چه خصوصی و چه در جمع سفارش می‌کردند که در مسیر رشد و توسعه ایران حرکت کرده و ذهن بالنده داشته باشیم نه افکار جمود و خشکه مقدس. به‌رغم اینکه ایشان در مواردی دلخوری‌هایی از برخی بخش‌های نظام و حاکمیتی داشت، هرگز توصیه به تندئ نکرد و حتی آن‌ز زمان که عده‌ای درصدد برآمدند تا خطاهایی را به ایشان نسبت دهند، این آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بود که سعی داشت نظام و انقلاب پابرجای بماند. سخنان و نظرات سیاسی مختلف هرگز باعث نشد که اصل و اساس انقلاب را زیرسوال ببرد و بارها، وقتی به طوراختصاصی با این اندیشمند بزرگ ملاقات داشتم، توصیه می‌کرد که در مسیر امام و حمایت از رهبر بکوشیم.

همواره یک اصل برای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از اهمیت ویژه برخوردار بود؛ انقلاب برای مردم است و باید آینده‌ای روشن و پر ازامید داشته باشند. در سفرهای مختلف مدام تاکید می‌کرد که نگذارید امید دردل مردم زائل شود. هاشمی رفسنجانی به انتخابات ۹۶ هم که اشاره داشت می گفت دلم روشن است و مردم راه خود را انتخاب کردند. همین که مردم با امید به آینده نگاه کنند، تنها آمال و ارزوی او بود و این مهم ترین درس بزرگی برای ما بماندگان است. راه هاشمی را نه با نفوس خوردن، بغضی در گلو یا حرمان دل می‌توان ادامه داد، برای اینکه بتوانیم او با همساز و همگرا باشیم، باید راه ایشان را در امیدبخشی به مردم از دست ندهیم و مردم را به آینده ایران و انقلاب ودموکراسی‌خواهی انقلاب و اینکه مردم راس امور هستند، دل‌بسته کنیم. این است که می‌توانیم بگوییم او در یک بردار درست حرکت کرد اگرچه که نوساناتی در زندگی وجود داشته است. شاید رفتن در صحبت‌های آیت‌الله وجود داشته که عده‌ای تلقی‌شان این است که هاشمی رفسنجانی سخنانش تغییر کرده، اما به نظر من او فرمایش و گفت‌مانش نگرش اصلاح‌طلبی بوده و سخن ایشان در هرکمانی و درهرموقعیتی حاکی از این بود که باید به منافع ملی و توسعه کشور نگاهئ ژرف و عمیق داشت.

عضو حزب کارگزاران سازندگی

یادداشت

مردی از جنس سیاست



جلال خوش‌چهره

فارغ از همه نگاه‌های سیاه و سفید به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، همه اتفاق نظر دارند که او نماد بلوغ سیاسی در نظامی بود که اکنون در آستانه چهارمین دهه استقرار خود قرار دارد. آنچه او را نازد حتی تندترین مخالفانش محترم می‌کند، بروز شخصیتی است که مرز میان منافع خرد و کلان را به درستی تشخیص داده و در خدمت به ارزش‌های اصولی اش عمل می‌کرد. به این دلیل او را سیستم‌مداری عملکردا می‌خوانند که می‌توانست در بزنگاه‌های شوک آور، مردم عموماً از بحران‌ها باشد.

انگیزه مخالفان‌ها با او نیز به همین دلیل بوده است. او می‌داند چه می‌خواهد، با چه

ابزاری در پی تحقق اهدافش باشد و در واقع بینانه‌ترین حالت چه انتظاری از رفتارش

داشته‌باشد.

مهمترین ویژگی او تعریف روشن از اهدافی است که ابزار آن در بستری از واقعیت‌های

سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور شکل گرفته بود. از این رو در تعریف سابقه‌اش برخی او را نقد می‌کردند و برخی در درک او دچار تردید می‌شدند.

منطقی‌ترین راه برای درک آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، تحلیل شخصیت او همگام با تاریخ انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی است. هاشمی دوران نهضت اسلامی‌گونه‌ای متفاوت از گونه‌ای است که از او در مقطع پیروزی انقلاب و استقرار نظام سیاسی سرانجام داریم. همچنین است تصور از هاشمی در دورانی که نظام سیاسی با استقرار پیروزانه خود، در پی اجرای برنامه‌های خود در همه سطوح مربوط به یک نظام موفق و ماندگار است. او در تمامی دوران‌ها بیان شده شخصیتی انعطاف‌پذیر و عملکردایانه را از خود بروز داده است؛ انعطافی که منتقدانش گاه او را سازشکاری و لیبرالیسم سیاسی متهم کردند و تا آخرین ساعت‌های حیاتش با همین صفت مورد تهاجم قرار دادند آنچه مخالفان هاشمی را در درک او دچار مشکل می‌کرد از یک سو قائل نبودن تفکیک لازم،های رفتاری یک سیستم‌مدار به قدا و قواره هاشمی در مقاطع زمانی مختلفه و از سوی دیگر، هنر او در مدیریت رفسنجانی در پیش از دست‌گذاشته همه همت خود را مصروف وفاق تنها هرگز نطق یافته نبوده، بلکه فرصتی برای ایجاد موقعیت‌های تازه تر و موفق تر بوده است. تجربه انتخابات سال ۹۲ صدقاً روشنی از مدعای بالاست. درحالی‌که اعلام عدم صلاحیت او برای حضور در انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری می‌توانست مفهومی از کنارگذاری او را در افواه ایجاد کند، او توانست به کمک قدرت نفوذ خود بسجح عمومی را در شکل‌دهی به نتیجه‌انتخابات ایجاد کند. نکته‌تریف در رفتار هاشمی رفسنجانی همان نگاه عملکردایانه او در این مقطع بود. برای آیت‌الله تکیه زدن بر کرسی ریاست جمهوری هدف نبود بلکه هدف استقرار گفتمانی بود که هم منافع نظام سیاسی و هم منافع کلان کشور را تأمین کند. به نظر او «اعتدال» نیاز زمان بود که مردم و منافع کشور محتاج آن بودند. به اعتقاد او نظام سیاسی با بلوغ قریب به چهاردهه اکنون باید نگاه به خود و بیرون را از منظری بنگرد که بیشترین منافع را برای نظام سیاسی و مردم در بر داشته باشد. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در پیش از دست‌گذاشته همه همت خود را مصروف وفاق ملی، توسعه و آبادانی و دوستی میان همه بازیگران سیاست داخلی کشور کرد. او زمانه و لزوم تغییرات را به درستی می‌شناخت و با تعهد به اصول ارزشی و نیز تجربه‌های گرانبارش، کوشش می‌کرد پاسخ خردمندانه سیستم‌مداری باشد که زمانه‌از او می‌خواهد. فارغ از نگاه‌های سیاه و سفید، او جای خود را در تاریخ ایران ماندگار کرده است و به نظر می‌رسد اکنون مام‌بازیگران سیاسی کشور باید به گونه‌ای رفتار کنند که توگویی هاشمی رفسنجانی هنوز زنده است؛ این یعنی تقویت وفاق و اتحاد.